

چرا کارگران ضمن محرومیت اساسی از حمایت داخلی و خارجی ، تحت فشار بیشتری قرار می گیرند ؟

کارگران که در جوامع امروز سرمایه داری یکی از دو طبقه موجود را تشکیل می دهند ، برآستی از نظر کمی نیز نیمی از مردم هر کشوری را شامل می گردند و حال که بنظر همه در مورد برقراری دموکراسی و آزادی در ایران آینده به توافق رسیده اند ، پس چرا حمایت از کارگران چه در داخل و چه در خارج کشور این چنین کم است ! چگونه است گروههای سیاسی که می خواهند به تحول و تغییری در کشور دست بزنند به پشتیبانی کمی کارگران نیاز دارند ، اما هیچگاه در منشورها و بیانیه های خود ذکری از اینکه کارگران سرانجام تغییر و تحول چه نصیبی خواهند برد ، چیزی بیان نمی کنند ! گرچه گرفتن آمار دقیق از کشور برای تفکیک شغلی براساس نیت خاصی که در افکار حکومتگران است امکان ندارد ، ولی نمی توان منکر شد که جمعیت کارگران و زحمتکشان با خانواده های خود کمتر از ۴۰ میلیون نفر باشد که شاید بیش از نیمی از آنان در زندگی بسیار پایینتر از خط فقر بسر می برند . آیا کارگران نباید باور کنند با وجودی که تولید و خدمات اجتماعی کشور را بر گرده خود می کشند ، اما چه سرمایه داران که در تضاد مستقیم کار و سرمایه از آنها منتفع می گردند ، سایر اقشار مخالف مسولان فعلی حکومت نیز تنها برای گرفتن حق سهمی از سرمایه داران و یا جایگزینی خود در قدرت ، سنگ کارگران را بر سینه می زنند ؟ چگونه است که همچنان قوانینی بر علیه کارگران در حال تصویب است ، زمانی که آنها هنوز با مشکلات پیشین برای گرفتن حقوق عقب افتاده ، رسمی شدن ، بیمه بیکاری و سایر مسائل قرار دارند ! آیا جز اینست که اکثریت گروهها با افکار مختلف و نهایتا بر مبنای اصول حقوق بشر ، بدنیاال استثمار کارگران هستند ؟

مروری بر بیش از یک قرن گذشته حرکت کارگران ایران حاکیست که در اکثر سالها کارگران بیشتر سیاهی لشکر جناحهای حکومت و اقشار متوسطی بوده اند که تنها به منافع خود بها داده اند . اگر اندک سوسیال دموکراسی مقیم کشور بهمراه همتایان مهاجر از شوروی سابق که در ابتدا تلاش کردند تا تفکر سوسیالیسم رهبری کارگران و دیکتاتوری پرولتاریا را در کشور رواج دهند ، چرا در ادامه جز سرکوب چیزی نصیب کارگران نگردید ! نمی توان منکر گردید افرادی که اولین حزب کمونیست را در کشور پایه گذاری کردند ، قصد برقراری سوسیالیسم و آزادی طبقه کارگر ایران را داشتند و کما اینکه بودند باورمندانی که در آن سالها به چنین قصدی به حزب توده و احزاب چپ و دموکرات گیلان ، آذربایجان ، کردستان و سایر نقاط کشور پیوستند . مگر کمیت کارگران در آن احزاب کم بود و مگر همه کارگران پس از هر شکست این احزاب در کشور باقی نماندند تا چه جانشان را فدا کرده و چه در زندان افتاده و یا از کار بیکار گردند و ناچارا گردن به زنجیری دهند که از برکت وجود کار و سرمایه نصیب آنها می گشت . مگر جز تعداد انگشت شماری از کارگران توانستند در میان خیل اقشار متوسط آری این تجربه ! که خط رهبری و بدنه آن احزاب را تشکیل می دادند همچون آنها از کشور خارج گردند به کارگران ایران نشان می دهد که راهی جز ایستادن در مقابل سرمایه داران و همه بافتهای آنها ندارند . و تا این دمل چرکین را نترکانده و نفی نکنند ، زندگی آنها تغییری نخواهد کرد

کارگران ایرانی چنانچه از ماهیت آنتاگونیستی تضاد کار و سرمایه برمی آید ، از همان ابتدای پیدایش خود به تنها وسیله ممکنه که اعتراض و اعتصاب باشد ، در مقابل کارفرمایان و دولت که همواره بزرگترین کارفرما در کشور بوده و هست و خواهد بود ، دست زدند . کارگران طی مبارزه طبقاتی ناخود آگاه ، فهمیدند که می توانند بدلیل کار و منافع مشترک با یکدیگر مقابل کارفرمایان ایستاده و برای گرفتن حقوق و مزایای بیشتر پشت یکدیگر باشند . در ادامه پروسه مبارزه ناخود آگاه ، کارگران آگاهی ساخته شدند که درک کردند برای مبارزه نیاز به مجهز شدن به دانش مبارزاتی دارند که از طریق کشور همسایه و روشنفکران اقشار متوسط در حال رواج بود . اما اگر انقلاب بلشویکی منجر به استقرار سوسیالیسم در شوروی امیدی را در دل هواخواهان خود برای کارگران و زحمتکشان و اقشار متوسط خواهان انقلاب در سایر کشورهای جهان زنده کرد ، اندکی پس از انتقال این اندیشه در ایران بدلیل منافع اردوگاه برادر بزرگ ، نتیجه فلاکت باری برای کارگران و سایر اقشار ایران ببار آورد . چنین شد که بجای اندیشه و تفکر دانش مبارزاتی ، فکر الویت اردوگاه سوسیالیستی و برادر بزرگ جایگزین گردید تا همه تلاش نه رهایی طبقه کارگر ایران و بلکه منافع آن اردوگاه اهمیت اساسی یابد ، تا نشان دهد که انقلاب سوسیالیستی علاوه بر مشکلات داخلی که آنرا از مسیر خارج می کرد ، سیر درستی نیز در سایر کشورها نمی پیماید ! چنان شد که بدنبال لنین ، استالینی حاکم شوروی گشته که بجای ترویج افکار سوسیالیستی ، حزب توده ای را در ایران پشتیبانی کرد که کارگران را به سیاهی لشکر خود . در جهت منافع اردوگاه بزرگ تبدیل نماید

اعتراضات و اعتصابات کارگران چاپ ، ماهیگیران انزلی ، کارگران نساجی ها در تهران و تبریز و اصفهان ، کارگران شرکت نفت جنوب و بسیاری دیگر که از همان ابتدای شکل گیری سرمایه داری آغاز گردید ، بجای اینکه جنبش کارگری ایجاد شده را به سازمانی قدرتمند در مقابل طبقه حاکم تبدیل کند ، به شدت سرکوب گشت تا همچنان افسوس تنها دورانی که جنبش کارگری هویت یافته بود را بر همه کارگران آگاه و مبارز بگذارد . حتی دوره کوتاه اوایل سال ۵۶ تا سال ۶۰ نیز که بنظر کارگران توانسته بودند با اعتراضات و اعتصابات خود ، اهمیت طبقه خود را نشان دهند ، اما نتوانستند از نظر کمی و کیفی مشابه سالهای پیش گردند چرا که همواره تحت کنترل سوسیال دموکراسی و اقشار متوسط و حتی بخشی از جناح های سرمایه داری قرار داشتند . عدم درک درست از دانش مبارزاتی بدلیل استبداد شدید دوره سلطنت امکان قوام شوراها را تشکیل شده تحت سوسیال دموکراسی را که بر اساس سوسیالیسم تخیلی درست شده بود ، نداده و آنها با حمله شدید حکومت فرو ریخته شد تا انجمنهای اسلامی را جایگزین خود ببینند . کارگران در تمام سالها ، چه در اواخر دوره قاجار ، چه دوران دو شاه پهلوی و چه در ۳۴ سال دوره ولایت فقیهی جمهوری اسلامی ، همواره تحت استثمار و سرکوب شدید کارفرمایان و دولت و دربار حکومتها بودند و همواره از تنها حق خود که تشکلات مستقل و اعتصاب بود ، منع شده و می شوند . در زمان شاه آخر پهلوی که اولین قانون کار برای تنظیم روابط کارگر و کارفرما و همچنین روابط آنها با دولت تنظیم گردید ، دیگر قانون کار بود که همچون قانون اساسی قابلیت اجرایی یافته و همه می بایست به آن سر خم کنند . قانونی که از ابتدا در جهت منافع کارفرمایان و دولت تنظیم شده بود و به کارگران می فهماند که دنبال منافع دیگری جز آنچه مقدر شده نباشند و در ادامه با قدرت یابی شاه قانون کار نیز که در ظاهر مطابق پیشرفت حقوق بشری . و در باطن به ضرر کارگران بود اصلاح ! گردید

سود سهمی شدن کارگران در سهام کارخانه ها که همچون اصلاحات ارضی برای کشاورزان همچون علامت صدای دهل از دور خوش است را داشته ، نه کارگران سهمی بر حقوقشان که بدلیل پرداخت یارانه برای تثبیت قیمت همواره در حداقل نگهداشته می شد ، افزوده گشت و نه کشاورزان توانستند صاحب زمینهای بزرگی گردند که دیگر خالصه شده بود و بناچار برای رسیدن به آب و رنگ شهرها و

کار کارگری که در حال افزون بود ، به شهرها سرازیر گردیدند تا فاتحه کشاورزی نیز خوانده شود . کارگران که با امیدهای فراوان دل به انقلاب اسلامی که در حقیقت تنها به این نام با طنزی گزنده می توان از آن یاد کرد ، بسته بودند ، بزودی دریافتند که نه تنها شاهان قادر به تامین زندگی آنها نیستند ، بلکه مذاهب نیز چنین هدفی ندارند ! زمانیکه آگاهان کارگری بدون توجه به تجربه دردناک حزب توده دل به تفکر سوسیال دموکراسی دادند ، این امید نیز از بین رفت که شعارهای سوسیالیسم ، رهبری کارگران ، دیکتاتوری پرولتاریا ، کار ، دموکراسی ، مسکن ، آزادی و دیگر شعارها در حقیقت برای سلطه اقشار دیگر بر کارگران داده می شود ، چنانچه سوسیالیسم در کشورهای شوروی و چین و سایر کشورها نیز راه دیگری را بدور از شعارهای آن زمان طی کرد . در نتیجه بازهم کارگران آگاه دانستند که تنها باید به نیروی خود توجه کرده و چون در راه مبارزه به فعالین غیرکارگر نیاز دارند ، نباید . هیچگاه زیر کنترل سازماندهی آنها و یا سایر اقشار بروند و خود تشکلات مستقل خود را ایجاد کنند . تا ۶۰ ثبات در هر حال مسولان نظام جمهوری اسلامی با همه بافتهای جناحی خود که در سالهای ۵۷ نیافته بودند ، با صبر و تحمل تصویب قانون کار را به عقب انداخته تا همچون قانون اساسی که توانسته بودند ولایت فقیه را در آن گنجانده و سایر اصول به ظاهر مترقی آنرا به کمدی الهی تبدیل کنند ، زمانش برسد . سپس بکمک تفکر کسانی که امروزه خود را اصلاح طلب نامیده و امروزه برخی از آنان جزو مسولان تشکیلات زرد وابسته جناحی و دولتی همچون خانه کارگر ، حزب اسلامی کار ، کانون انجمنهای اسلامی ، شورایی عالی کار و غیره هستند ، قانون کاری بمراتب ضد کارگری تر از زمان سلطنت را تصویب کنند تا کارگران را در محیط کار به زنجیری بمراتب سفت تر ببندند . حق تشکل تنها منحصر به تشکیلات وابسته ای گردید که حتی یک اعتصاب نیز با همه فلاکتی که خود آنها باور دارند نصیب کارگران شده است ، انجام نداده اند و کاملا روشن است که این یعنی کارگران باید به آنچه دارند قانع و شکر گزار مذهب و ولایت فقیه باشند که از سفره بیت المال ، بخور و نمیری را برای کارگران پرتاب می کنند . قانون کار بزعم مسولان زرد خانه های کارگر اصلاح ! گردید و با تکیه بر آنها کارگران بیشتری اخراج و یا از مزایای بیمه محروم گردیدند تا سرمایه داران کوچک و بزرگ راضی به سرمایه گذاری باشند . هیچگاه تصور نرفت که بیت المال متعلق بهمه از جمله کارگران نیز هست ، اما این موضوع اهمیتی ندارد که اگر کارگران حتی حقوق و مزایای مصوب را دریافت نمی کنند ، حداقل ولایت فقیه و اسلام شیعه برسر کاراند و بهشت در انتظار کارگران است . تراژدی مسولانی همچون محبوب ، جلودارزاده ، سرحدی زاده ، کمالی و سایر همکاران در آنجاست که اینروزها ۲۹ خرداد سالروز تصویب قانون کار را جشن می گیرند تا نشان دهند که چه اندازه به حکومت وابسته اند . تراژدی آنجاست که این افرادی که خون کارگران را برای رسیدن به مسولیت تشکیلات وابسته ، مجلس و نهادهای اجرایی دولت ریخته ، اینک در دعوی جناحی به شورایی عالی دولتی گله می کنند که چرا حداقل حقوق کارگران را که خود در سالها پیش و در زمان قدرت رفسنجانی و اصلاح طلبان دیکته می کردند ، پایین نگهداشته و اصلاحات جدید قوانین کار را به ضرر کارگران تصویب می کنند ! آیا آنها یادشان رفته که قانون کاری را که به آن افتخار می کنند پایه اصلی استثمار کارگران بوده و هرگونه حق تشکل مستقل و اعتصاب را از کارگران سلب کرده بود و این اصلاحات اخیر در ادامه کار همانهاست که امروزه برای منافع رهبری و سپاه و سرمایه داران جدیدتر ، قوانین را بسود خود اصلاح می کنند . چرا صدای اینها در زمانی که حق بیمه کارگران کارگاههای زیر ۵ و ۱۰ نفر سلب می شد ، در نیامد و چرا بجای گفتگو در کمیسیونهای خصوصی از طریق میلیونها کارگری که شعار می دهند در عضویت آنهاست ، جلوی تصویب بسیاری از اصلاحات ! که کلمه کاملا متناقضی است ، قانون کار را نگرفتند ! حال که تشکیلات دولتی بخشی از قدرت سابق آنها را بزور گرفته ، به نقد احمدینژاد و تشکیلاتش می پردازند که حتی جایگزین آنها در سازمان جهانی کار شده و قدرت

بیشتری دارند! چرا در مجلس نمایشی کارگران و کنگره های اخیر بجای استفاده از قدرت کارگران از طریق اعتصابات و اعتراضات که اکثریت خود جوش بوده و تعدادی هم توسط کارگران آگاه و فعالین کارگری شکل گرفته، تنها از سرمایه داران دفاع نموده و اینکه دولت و بانکها باید با دادن تسهیلات به آنها موجب بستن واحدهای تولیدی باقیمانده نگردند! این تجارب باز هم کارگران را به این نتیجه می رساند که تنها تشکلات مستقل آنها علاوه بر اینکه باید به دفاع از حقوق و مزایای اقتصادی آنها بپردازند، بلکه باید در جهتی حرکت کنند که نظام سرمایه داری را سرنگون نماید.

در داخل کشور بجز چند تشکل مستقل کارگری و فعالین کارگری که توانسته اند با همه مشکلات و سرکوب خود را به نیروهای امنیتی تحمیل کنند، هرچند تحرک اعضای آنها کاملاً زیر نظر بوده و تعداد اما هرکدام آنها راه مستقل خود را باور داشته و هنوز نتوانسته. آنها از انگشتان دو دست کمتر است اند به دلایل گوناگون کار مشترک در زمینه های مشترک نمایند و حتی اخبار و مقالات یکدیگر را پوشش دهند که امید است بسرعت در این جهت حرکت نموده که سازماندهی اعتراضات پراکنده کارگران بسیار نیازمند چنین همکاری مشترک است. مایه تاسف است که درصد بالایی از اخبار کارگری از طرف ایلنا و سایر خبرگزاریهای وابسته بیرون می آید که ممکن است هر زمان با دستور ولایت فقیه متوقف گردند و این حاکمیت که تا ایجاد جنبش کارگری فاصله بسیاری وجود دارد چرا که یکی از نکات بارز رشد جنبش کارگری انتشار اخبار کارگری از طریق سایتهای کارگری و فعالین کارگری و تشکلات مستقل آنها است که در میان کارگران معترض نفوذ دارند. در حالیکه رشد حرکت مبارزاتی کارگران به دید وسیع تری از کارگران آگاه، فعالان کارگری و گروههای چپ نیازمند است تا با انتشار متنوع اخبار و مقالات، نقد حرکت هرکدام را برای هواداران آسانتر نماید. تعدادی از گروههای کاری و حقوق بشری در مورد کودکان کار و زنان کارگر و همچنین جلوگیری از اعتیاد نیز درون زحمتکشان در فعالیت هستند که آنها نیز بشدت از طرف نیروهای امنیتی و مسولان تشکیلات زرد کارگری تحت نظر بوده و همچون تشکلات مستقل نامبرده برخی از آنها در زندانند. بهر حال واقعیت ها نشان از این دارد که نیروی بسیار بیشتری از آگاهان برای کار مشترک و سازماندهی اعتراضات پراکنده کارگران مورد نیاز است.

در چند سال اخیر چند تشکل مستقل دیگر از درون اعتصابات چون مجتمع های پتروشیمی، پیمانکاریهای پروژه ها، بازنشستگان نوب آهن، نساجیهای مازندران، صنایع فلزی، کارخانه های پروفیل ساوه و نورد لوله صفا، کارگران مخابرات برخی از استانها و کارگران سایر واحد های تولیدی و خدماتی که لیست بلند بالایی است، توانسته اند حول حقوق اقتصادی به سازماندهی های موقت دست زده و از درون خود نمایندگان فعالی را انتخاب کنند که بدلیل کمیت زیاد و همبستگی و طول کشیدن تحقق خواسته ها هنوز زیر ضربه نیروهای امنیتی نرفته اند و البته مسولان نشان داده اند که هیچگاه گذشته نداشته و در زمان دیرتری که بین کارگران فاصله افتاد، به سرکوب آنها دست خواهند زد. هم مسولان دولت و هم مسولان امنیتی حکومت علاقه چندانی به تحقق خواسته های کارگران ندارند زیرا که بیشتر کارفرمایان جدید و سران پیمانکاران از وابستگان آنها بوده و از نظر مشکلات بودجه هم دولت نمیخواهد تن به استخدام رسمی کارگرانی بزند که سالها پیش با سراب آینده بهتر از بدنه دولت جدا شده بودند. برخی از این کارفرمایان و مسولان پیمانکاریها هنوز به مدیران دوران رفسنجانی و خاتمی وابستگی دارند که دولتیها با آنها در تخالف بوده و برخی حمایتها در جهت کارگران ناراضی این پیمانکاران بهمین دلیل است. اما همچنان خیل کارگران بسیاری از واحدهای تولیدی، کارگاه های کوچک و کارگران شرکتهای خدماتی دولتی و بخش خصوصی هستند که با وجود اعتراضات و اعتصابات و بدلیل دور بودن از فعالین کارگری و حتی با مجتمع شدن جلوی ادارات دولتی نتوانسته اند. به حقوق عقب افتاده و مسائلی همچون بیمه و سایر مزایای خود دست یابند.

در خارج کشور نیز از همه اقشار (بجز کارگران) تعدادی به دلیل امکانات و یا داشتن بستگان خارج کشوری و همچنین تماس با سازمانهای حقوق بشری ، چه از طریق مرزهای زمینی و چه هوایی حضور داشته و اگرچه برخی از آنان در فکر ادامه زندگی در کشور جدید هستند ولی هستند کسانی که به فعالیت حقوق بشری و سیاسی روی آورده اند . در حال حاضر بسیاری از مسولان گروههای حقوق بشری که در تماس مستقیم با سازمان ملل هستند ، همچنان الویت حمایت آنها از سران اصلاح طلب ، ملی مذهبی و سپس سایر اقشار همچون نویسندگان ، خبرنگاران ، دانشجویان ، اقلیتهای قومی و دینی ، زنان است و سرانجام در انتها به چند کارگر و فعال معروف شده میپردازند . کسی منکر حمایت بین المللی از اقشار دیگر نیست اما مگر کارگران به همراه خانواده های خود بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل نمی دهند ، در حالیکه کارگران زندانی بدلیل عدم امکانات حتی توان گرفتن وکیل را نداشته و پس از آزادی از زندان کوچکتر درگیر قوانین جامعه ای (زندان بزرگتر) می گردند که حتی برای آنها قائل نبوده و باید با صرف هزینه ای که ندارند دنبال وکیل برای احقاق حق و بازگشت به کار رفته و یا دنبال سندی برای گرو گذاشتن بروند ، در حالیکه زیر نظر نیروهای امنیتی نیز قرار دارند . بیشتر کارگران غیر زندانی که هنوز از بحران اقتصادی صاحب کاری هستند ، نیز باید با ماهها اعتراض و اعتصاب و تجمع به دنبال حقوق عقب افتاده ای باشند که کارش را ماهها پیش انجام داده بودند . اگر هم کارگران موفق به گرفتن حقوق عقب افتاده گردند ، تورم افسار گسیخته آن حقوق ناچیز را بی اعتبارتر کرده است ، بطوریکه دیگر باندازه چند ماه پیش کفاف خرید خوردنی ، پوشاک و مسکن فعلی را نمی دهند و آنها مجبورند با همه افراد فامیل به هرکاری دست بزنند تا این حداقلها را ببوشانند .

در خارج کشور گروههای حقوق بشری و گروههای اصلاح طلب ، ملی مذهبی ، جبهه ملی ، سلطنت طلب ، دموکرات ، سکولار ، سکولار دموکرات و سائیرینی که همه آنها اینروزها از دموکراسی ، کشور مستقل ایران ، آزادی ، انتخابات حرف می زنند تا بحال دیده نشده که کارگران جایی درخور موقعیت خود در میان آنها داشته و آنها بطور شفاف روشن کنند که کارگران در زمانیکه استراتژی آنها تحقق درحالیکه همه آنها انتظار دارند . یافت در کجای جامعه قرار گرفته و آزادی آنها چگونه خواهد بود زمانیکه آلترناتیو خود را تشکیل دادند کارگران به همراه سایر اقشار زیر پرچم آنها سینه زده و با رژیم فعلی مخالفت و مبارزه کرده و جان خود را برای آینده ای مشابه آنچه اکنون دارند به خطر اندازند !

جالب اینکه برخی از این گروهها به اهمیت طبقه کارگر برای اهداف خود پی برده و سایت کارگری (از جمله سایت کلمه کارگری) راه انداخته اند تا نشان دهند که کارگران از نظر آنها ارزش دارند . از طرفی گروههای اکثریت ، اتحاد فداییان خلق و برخی دیگر از گروههای چپ سابق به این نتیجه رسیده اند که دیگر رهبری طبقه کارگر با توجه به گفتار سابق مطرح نبوده و آنها در حال حاضر به اصلاحات دموکراتیک فکر می کنند و در نتیجه به سایر گروههای نامبرده پیوسته اند . البته هستند گروهها و سازمانهای چپ که در شهرهای مختلف کشورهای غربی دست به حمایت از کارگران می زنند ، اما این حمایت چه از نظر کمی و چه کیفی کم بوده و بدلیل اختلافات گروهی با حمایت گسترده و هماهنگ همه نیروهای باورمند به کارگران نبوده که اگر چنین گردد حتما به فشاری بر علیه حکومت و در جهت کاهش فشار به کارگران تاثیر خود را خواهد گذاشت . با وجود اینکه اخبار کارگری و مقالاتی که در سایتهای وابسته به گروههای چپ (اخیرا در اکثر سایتها) منتشر می گردند ، اما بسیاری از آنها بیشتر مقالاتی را منتشر می کنند که از سیاسیون فعال به تفکر آنها نزدیک بوده و نقد کمتری نسبت به تفکر گروهی داشته باشند . اما باید گفت گروههای چپ که هنوز شعار اصلیشان رهبری طبقه کارگر و انقلاب سوسیالیستی است ، آیا توانسته اند با همدیگر بسود کارگران راه پیمایی مکرر و وسیعی برگزار کرده تا با فشاری که وارد می گردد ، سازمانهای حقوق بشری بین المللی و اتحادیه های کارگری بین

المللی را بیشتر بسود کارگران فعال کرده تا رژیم وادار گردد کارگران و فعالین کارگری زندانی را آزاد و ! قوانین کمتری را به ضرر کارگران تصویب نموده و از تشکیلات زرد کارگری کمتر حمایت کنند

برخی از گروههای چپ که دادگاههای بین المللی را با توجه به هزینه ها برای محکوم کردن سران رژیم دنبال کرده و ضمن اینکه چنین کاری طبعا به افشای جنایات مسولان رژیم خواهد پرداخت ، آیا فراموش نکرده اند که بخش بزرگی از کشته شدگان سالهای ۶۰ تا ۶۷ بخاطر رهایی کارگران از ستم طبقاتی بوده و بنابراین شایسته و سزاوار است که بطور دستجمعی همه گروههای چپ برای آن زنده یادان به پیگیری خواسته های کارگران نیز در کناربرپایی این دادگاهها باشند تا بر صحت شعارهایشان مهر محکمی بزنند ! فشار و تاثیری که سازمانهای حقوق بشری و گروههای سیاسی در افکار جامعه جهانی و دولتهای غربی گذاشته اند ، موجب شده که رژیم اعدام زندانیان سیاسی را برای ماهها متوقف کند ، هرچند که اعدامهای مربوط به مواد مخدر و جاسوسی برای نشان دادن خشونت خود و هشدار که همواره قادر است اعدامها را براه اندازد ، متوقف نشده است . همه افسار از نویسندگان ، خبرنگاران ، دانشجویان ، زنان ، معلمان ، استادان ، مذهبیها ، اقلیتها ، وکلا ، هنرمندان بدلیل وفور گروههای حقوقی و سیاسی مربوط به آنها که دفاع از آنها را انجام می دهند ، موجب شده که افکار جهانی پذیرای فشار جهت کاهش خشونت به آن افسار باشند . اما کارگران بدلیل آنکه فاقد چنین همدردانی در خارج کشور بوده و اساس اصول حقوق بشر نیز تنها آزادی حق تشکل و اعتصاب و نه حذف تضاد طبقاتی را باور دارد از حمایت بمراتب کمتری برخوردارند و این موضوع در گزارشات سازمانهای حقوق بشری ایرانی و بین المللی و گزارشات احمد شهید نماینده سازمان بین الملل در امور ایران نیز به چشم می خورند . طبیعی است دولتهای غربی نیز که اساس خود را در دفاع از وجود سرمایه و برپایه استثمار کارگران گذاشته و لذا دموکراسی که در کشور خود و سایر کشورها خواهان هستند همان مبنای اصول حقوق بشر و نه کاهش استثمار کارگران است ، هیچگونه علاقمندی در این زمینه نداشته باشند

بنابراین طبقه کارگر به همت همه افراد و گروههای سیاسی چپ در داخل و خارج کشور که به آرمان سوسیالیسم و حذف طبقات بعنوان استراتژی باور داشته ، برای سازماندهی نیروهای خود نیازمند است . در این پروسه این گروهها با تکیه بر استراتژی که با توجه به شعارها یکسان بنظر می رسد و نباید تاکتیکها در این مرحله که قدرت حکومت بالا بوده و هنوز جنبش کارگری در مراحل نطفه می باشد ، این چنین متفاوت باشند ، باید بجای محکوم کردن و انحرافی دانستن یکدیگر و اینکه تنها راه آنها درست است به کار مشترک دست زنند . آنها می توانند و باید که به همکاری مشترک در حداقل زمینه های دفاع از کارگران زندانی و غیر زندانی پرداخته و ضمن وارد آوردن فشار به مسولان حکومتی در داخل و مسولان حقوقی بین المللی در خارج کشور ، به مسائل اساسی کارگران که ناشی از جلوگیری برای فشارهای جدید حکومت که در جهت تصویب قانونهای جدید برضد کارگران است ، بپردازند .

مسائلی همچون اصلاح قوانین بیمه توسط مرتضوی در سازمان تامین اجتماعی که پس از به حداقل کشاندن حقوق کارگران ، بیکاری مفرط ، حذف بیمه برای کارگران کارگاههای کوچک ، قراردادهای سفید امضا ، بکارگیری کودکان و زنان با حقوق بمراتب پایین و در شرایط تجاوز و فساد که آنها باید تحمل کنند ، حمله دیگری از طرف سرمایه داران به طبقه کارگر است تا روشن گردد که چرا حمایت خامنه ای و احمدینژاد در مقابل برخی نمایندگان مخالف مجلس برای حفظ پست مرتضوی این چنین قاطع بوده است . قانون کار پس از اینکه حداقل حقوق ممکنه را توسط شورایی عالی کار مصوب کرده که کمتر از آن امکانپذیر نیست ، پس از آنکه قراردادهای موقت و سفید امضا و گاها با سفته ای که از کارگران برای عدم اعتراض در زمان اخراج گرفته اند ، پس از آنکه حقوق عقب افتاده بسیاری از واحدهای تولیدی به کارگران پرداخت نشده و اعتراض و اعتصاب و تجمع کارگران اکثرا بجایی نمی رسد ، پس از آنکه واحدهای تولیدی یکی پس از دیگری به دلایل گوناگون و با توجه به سود سرشاری

که قبلاً توسط کارفرمایان برده شده و امروزه زمینهای کارخانه های واقع در داخل و حومه شهری مرغوب و ارزش آن افزایش یافته و استفاده سرشاری از تبدیل آنها به ساختمانهای تجاری و مسکونی می گردد ، پس از آنکه تشکیلات زرد کارگری در مجلس تشریفاتی کارگری و کنگره های خود از دولت و بانکها می خواهند که به کارفرمایان وام داده تا تولید نخواستند ، پس از آنکه سازمان بیمه به کارفرمایان فرجه برای پرداخت بیمه های قبلی کارگران می دهد اما کسی اهمیتی به کارگران که با وجود کار کردن چون بیمه آنها پرداخت نشده تا به تمدید دفترچه های بیمه خود بپردازند ، نمی دهد و بسیار . پس از آنکه های دیگری که همه به ضرر کارگران است ، نوبت به اصلاح ! قوانین بیمه رسیده است حال که دیگر تغییر قانون کار جایی برای اصلاح به ضرر کارگران ندارد ، آزمون حمله بسوی بیمه های اجتماعی آغاز می گردد تا دست آورد مبارزه سالهای پیشین کارگران نیز مورد حمله مزدوران حکومتی قرار گیرد . مرتضوی که هیچ ابایی از جنایات پیشین خود در مورد زندانیان نداشت ، ماموریت انجام کاری را بعهده می گیرد که دیگران قدرت انجامش را نداشتند . اصلاحات ! قانونی پیشنهاد شده برای مواردی همچون بالا بردن سن بازنشستگی از ۶۰ به ۶۵ سال حتی برای مشاغل عادی و سخت و زیان آور ، حذف بیمه شدن کسانی با ۱۰ سال سابقه که به سن بازنشستگی رسیده اند ، افزایش ۲ تا ۳ درصدی پرداختی حق بیمه کارگران بسود دولت ، کاهش تعهدات بیمه ای و درمانی رایگان سازمان تامین اجتماعی ، فروش خدمات درمانی به بیمه شدگان ، خصوصی سازی در مراکز درمانی متعلق به سازمان تامین اجتماعی از طریق واگذاری مدیریت این مراکز و از جمله فروش باتک رفاه کارگران ، انتقال تعهدات دولت در حوزه بهداشت عمومی به سازمان تامین اجتماعی ، ایجاد اختیار برای دولت در خصوص پرداخت یا عدم پرداخت سهم ۳ درصدی حق بیمه آغاز شده و موارد دیگری که حتماً بتدریج پیشنهاد خواهند شد . آری در این زمانی که کارگران از عدم سازماندهی اعتراضات و اعتصابات و تجمع های خود توسط آگاهان کارگری و فعالین کارگری و گروههای چپ رنج می برند ، باید در بدترین دوران یک قرن زندگی خود با حملات شدیدتری بر آنچه برای امرار معاش بخور و نمیر خود دارند بسر برده و امتیازات بیشتری از دست بدهند و در این زمان نیز از حداقل حمایت داخل و خارج کشور ! برخوردار باشند

رضایی فرمانده سابق سپاه و عضو فعال مجمع تشخیص با گفتن اینکه رقیب اصلی دولت آینده فقر و سازگارا با کمک کسانی از طرفداران . تحریمهای اقتصادی است ، اشاره به حرکت کارگران می نماید رضا پهلوی ، جمهوریخواهان شرمزده ، اصلاح طلبان ، سکولارهای سبز و سرخ ، دموکراتهای خواهان آزادی ، چپهای بریده از رهبری کارگران و سایرین در پی تشکیل آلترناتیو با تکیه بر سازماندهی مقاومت مدنی مردم با تکیه بر جنبش کارگری است تا بار دیگر کارگران نقش سیاهی لشکر را بازی کنند ! همه دنبال استفاده از شورش و اعتراضات کارگران هستند تا به منافعی که دارند برسند ، اما هیچکدام از این گروهها در منشور خود از حق کارگران در آینده ای که اگر حکومت به آنها و بکمک غرب برسد ، حرفی نمی زنند و تنها از کلمات شیرینی چون آزادی ، دموکراسی و اصول حقوق بشر و آنهم بطور کلی صحبت می شود و در این میان از کارگران و سایر اقشار داخل کشور که در زیر تحریمها و بحران اقتصادی دست و پا می زنند ، خواسته می شود که زمان درخواست آنها خود را در مقابل نیروهای امنیتی ، سپاه ، بسیج ، نیروهای انتظامی قرار داده تا بتوانند به قدرتهای غربی ثابت کنند که مردم حرفهای آنها را گوش داده و به تظاهرات می پیوندند تا بتوانند وانمود کنند که جایگزین مناسب و بدون دردسری برای غرب نسبت به حکومت فعلی هستند . انکار واقعیت تضاد طبقاتی حتی اگر حسن نیتی از برخی از افراد و گروههای حقوقی و سیاسی جهت برقراری دموکراسی باشد ، حتی با تغییر حکومت فعلی ناچاراً به نظامی دیگر از سرمایه داری منجر می گردد که پس از مدتی ظاهر پرده دموکراسی را بکنار زده و چهره خشن استثمار کارگران که اصل اساسی همه این سرکوبها و فشارها

است ، را نمایان می سازد . اگر هدف همه این فعالیتها برای برقراری نسبی از دموکراسی متحقق شده غربی است که اخیرا چرا جنبشهای بزرگ کارگری در اروپای غربی و جنبش وال استریت در امریکا برگزار می گردد ؟ آیا هدف عمده این جنبشها کنار زدن دموکراسی موجود که برای کارگران استثمار را بدنبال دارد ، نیست . اگر چنین است چرا نباید کارگران ایران همت خود را برای سازماندهی اعتراضات خود برای ایجاد تشکلات مستقل خود بکار برند تا نه تنها بعنوان سیاهی لشکر هیچ گروه سیاسی بکار نروند ، بلکه قادر باشند خود تکلیف نظام بعدی را روشن سازند که چه باید باشد

در انتها گوشه هایی از برخی اخبار چند هفته اخیر از مشکلات فراوان کارگران که پیوست مقاله نیز هستند ، انتخاب شده تا نشان دهد اعتراضات فراوان و پراکنده و خود بخودی کارگران همچنان در حال افزایش است : در پی کشته و مجروح شدن ۲۱ کارگر شیفت شب کارخانه فولاد غدیر یزد ، دادگاه کارفرما را مجرم شناخته و وی را تنها به چند ماه حبس و پرداخت دیه محکوم کرده و بازماندگان کارگران کشته شده و مجروح بدلیل عدم امکانات و نداشتن وکیل و همچنین نیاز شدید مالی به دیه ، ناچارند که حکم را بپذیرند و گرچه همچون دادگاههای مشابه پیشین روشن نیست که کارفرما به حکم تن دهد . رایگان بودن خدمات بهانه‌ای برای کم توجهی و تعیین قوانین دست و پاگیر برای کارگران اصفهانی در تنها دو بیمارستان شریعی و غرضی اصفهان با ۷۰ هزار بستری در سال شده است . طولانی شدن فاصله تشخیص بیماری و بستری فرد برای جراحی تا درمان ، ممنوعیت ورود همراه به بخش‌های مختلف و کم توجهی پرستاران و پزشکان به بیمار ، آزار دهنده‌ترین مشکل بیمارستان‌های تامین اجتماعی است که با وجود افزایش دائمی افراد تحت پوشش، تغییر چندانی در فضا و امکانات درمانی این مراکز به وجود نیامده است . ایمنی کارگران در تهران فقط ۵۰ درصد از استانداردها را رعایت می کند ، طنز این موضوع درج خبری در اینلنا است که پیشنهاد استفاده از استانداردهای متعلق به کشور کانادا در ایران شده که یکی از معبرترین استانداردها در این خصوص محسوب می‌شود ! ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا از صبح دیروز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان دست از کار کشیدند و در اقدامی مشابه از دیشب کارگران شیفت شب کارخانه پروفیل ساوه نیز دست به اعتصاب زدند ، این دو کارخانه در شهرستان ساوه متعلق به یک کارفرماست و ۲۴۰۰ کارگر آنها دستمزدهای خبر طنز دیگر مربوط به استاندار تهران است که گفته منتشر . شش ماه خود را دریافت نکرده اند کنندگان خبر تعطیلی واحدهای صنعتی در تهران ، مرض دارند . از شمول قانون کار خارج شدن کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر موجب بالاتر رفتن آسب پذیری آنها شده و اغلب این کارگاه‌ها در شرایط نامناسب و فاقد حداقل‌های ایمنی و بهداشتی برای کار بوده و کودکان بین ۱۲ تا ۱۶ ساعت در این مکان‌های نامناسب مشغول به کار هستند . عدم پرداخت چندین ماه حقوق ۳۰ هزار بازنشسته ذوب آهن اصفهان که هر بار با تجمع اعتراض‌آمیز آن‌ها و بسته شدن خیابانی که کانون بازنشستگان ذوب آهن در آن قرار دارد و سر و صدایی به پا می‌کند و پس از قول مسولی ، ماه بعد فراموش می‌شود نزدیک به یک سال است که تکرار شده و کاسه صبر این بازنشسته‌ها و خانواده‌هایشان را لبریز کرده است . تجمع ۳۰۰ کارگر تحت پوشش بیمه بیکاری در پیرانشهر بدلیل عدم دریافت مطالبات خود از شرکت بیمه ، با دخالت نیروهای امنیتی و تهدید آنها پایان یافت . بلا تکلیفی ۴۵۰۰ کارگر اخراجی سازمان توسعه راههای ایران پس از دو سال که با داشتن سابقه کاری بالا ، حق بیمه آنها از سوی سازمان پرداخت نشده است . بیکاری بیش از ۵۰ درصد کارگران شهرک صنعتی پرند ساوه ، تنها ۳۸۸۰ کارگر از مجموع ۷۰۰۰ کارگر هنوز در حال کار هستند . و سرانجام ۱۲۰،۰۰۰ نفر از کارکنان صنعت نفت از مجموع ۱۶۰،۰۰۰ نیروهای پیمانکاری با گذشت کمی کمتر از یکسال از مصوبه همچنان چشم اخبار فراوان بوده و نشان از .انتظار اجرای تمیمات اصلاحی جدید دولت برای تین تکلیف خود هستند نیروهای بالفوه ای دارد که اگر سازماندهی گردند ، نه تنها سقوط این نظام را در پی خواهد داشت ،

. بلکه تحقق سوسیالیسم نیز دور از دسترس نخواهد بود

گروه پژوهش کارگری آذر ماه ۱۳۹۱
پیوستها

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=23466>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=23234>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=23115>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=23108>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=23116>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=21960>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=22801>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=22073>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=22061>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=22044>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=20786>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=19842>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=20224>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=19885>

<http://www.etehadeh.com/?page=news&nid=2701>

<http://kanoonmodafean1.blogspot.ca/2012/11/91.html>

http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=1139:1391-08-29-14-27-59&catid=11:1389-12-23-23-55-51&Itemid=30

<http://khodrokarr.wordpress.com/category/%D8%A7%D8%AE%D8%A8%D8%A7%D8%B1/%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86/>